

رویکردهای فقهی و روانشناختی اصل تدریج در تربیت فرزند

مسعود کاشانی^۱

اسد آزادی^۲

محسن کاشانی^۳

چکیده

تدریج در تربیت به معنای انجام اقدامات تربیتی به صورت مرحله‌ای و باتوجه به توانایی‌ها و ظرفیت‌های فرد است. این اصل بر این نکته تأکید دارد که تغییرات و تحولات در شخصیت و رفتار انسان به مرور زمان و با گذشت مراحل مختلف صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، تربیت باید به گونه‌ای باشد که فرد بتواند به تدریج و باگذشت زمان، مهارت‌ها و ارزش‌های مورد نظر را کسب کند. برای بررسی مشروعیت اصل تدریج در تربیت، باید به مبانی و ادله دینی آن توجه کرد. در آموزه‌های دینی، تأکید زیادی بر تدریج در تربیت و آموزش وجود دارد. به عنوان مثال؛ در قرآن کریم و احادیث معصومین (ع)، به تدریج در آموزش و تربیت اشاره شده است. این آموزه‌ها نشان می‌دهند که تربیت و آموزش باید به صورت مرحله‌ای و با توجه به توانایی‌ها و ظرفیت‌های فرد انجام شود. اصل رعایت تدریج در تربیت به معنای انجام اقدامات تربیتی به صورت مرحله‌ای و با توجه به توانایی‌ها و ظرفیت‌های فرد است. این اصل بر این نکته تأکید دارد که تغییرات و تحولات در شخصیت و رفتار انسان به مرور زمان و با گذشت مراحل مختلف صورت می‌گیرد. بررسی مشروعیت این اصل از نگاه فقه تربیتی نشان می‌دهد که در آموزه‌های دینی، تأکید زیادی بر تدریج در تربیت و آموزش وجود دارد. این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و منابع کتابخانه‌ای به بررسی اصل تدریج را با رویکردهای فقهی و روانشناختی پرداخته و اهمیت آن را در فرآیند تربیت و آموزش نشان می‌دهد.

کلیدواژه: تربیت، اصل، تدریج، فقه، روانشناختی، رویکرد.

۱. کاشانی، مسعود، سطح ۴ حوزوی، فیضیه، قم. ایمیل: masoudkashani1986@gmail.com

۲. آزادی، اسد، دانش آموخته دکتری، رشته دین پژوهی، ادیان و مذاهب قم. ایمیل: asadazad 98@yahoo.com

۳. کاشانی، محسن، دارای مدرک سطح ۴ حوزوی، فیضیه، قم. ایمیل: mohsenkashani72797@gmail.com

مقدمه

اصل رعایت تدریج، خود سنت الهی است که بر عالم هستی حاکم است. خداوند در بسیاری از امور مانند خلقت هستی، آفرینش انسان، ارسال رُسل و نزول قرآن کریم، به صورت مرحله به مرحله و تدریج اقدام نموده است. خداوند حکیم می‌فرماید: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف: ۱۷۹). این اصل مورد توجه کارشناسان تربیتی بوده و به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول عام تربیتی به شمار می‌رود. انسان که موضوع تربیت است، تکامل او از بدو تولد آغاز و تا لحظه مرگ طی مراحل مختلف ادامه پیدا می‌کند. این مراحل در گذر زمان و همراه با تدریج سپری می‌شود و آدمی در ابعاد مختلف جسمی، ذهنی و روحی رشد پیدا می‌کند و شخصیت و شاکله او شکل می‌گیرد. نسبت به موجودی با چنین ویژگی باید گفت هم اصل تربیت کردن و هم تربیت‌پذیری و تغییر در وی فرآیندی تدریجی خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۱۷۱). در قرآن کریم، یکی از دلایل نزول تدریجی را چنین بیان شده است: «وَقَرَأْنَا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا» (اسراء: ۱۰۶). رشد استعداد مردم در تلقی معارف اعتقادی و احکام فرعی و عملی آن اعلام شده است؛ چراکه مردم به عنوان یک مجموعه انسانی به مرور به رشد و بلوغ فکری می‌رسند. از این حیث، بلوغ فکری مردم عصر حاضر با قرون قبل قابل مقایسه نیست. ضمن اینکه در میان هر مجموعه انسانی در هر عصری نیز افراد به لحاظ توان و استعداد ادراکی با یکدیگر متفاوت هستند. از این رو، اصل رعایت توان به لحاظ تفاوت ظرفیت در یادگیری شاگردان حاکم بر فرایند تربیت است و تفاوت توان‌ها خود مستلزم به‌کارگیری سازوکار تدریج در تربیت است. از این رو، یکی از لوازم رعایت توان متربی، رعایت تدریج در تربیت است.

مطابق اصل رعایت، تدریج هر اقدام یا روش تربیتی که از سوی مربی به کار گرفته می‌شود، باید به آرامی و به دور از شتاب و عجله و همراه با تأنی و تدریج باشد تا زمان لازم برای تغییر، اصلاح و شکوفایی برای متربی فراهم و هدف از اقدام تربیتی محقق شود؛ چراکه اصولاً «تربیت کردن» و «تربیت‌پذیری» دو مقوله استدراجی است و باید مرحله به مرحله صورت گیرد. اصل رعایت توان متربی اظهار می‌دارد در اتخاذ اقدامات و روش‌های تربیتی، ظرفیت و استطاعت متربی را رعایت کن تا تکلیف، شاق و «مالایطاق» نباشد و موجب زدگی

متربی نگردد؛ و اقدام تربیتی نتیجه معکوس به بار نیاورد رعایت توان متربی گاهی مستلزم تسریع در تربیت است و ممکن است تدریج، اثر معکوس بر جای گذارد. از این حیث بلوغ فکری مردم عصر حاضر با قرون قبل قابل مقایسه نیست. ضمن اینکه در میان هر مجموعه انسانی در هر عصری نیز افراد به لحاظ توان و استعداد ادراکی با یکدیگر متفاوت هستند؛ از این رو اصل رعایت توان به لحاظ تفاوت ظرفیت در یادگیری شاگردان حاکم بر فرایند تربیت است و تفاوت توان‌ها خود مستلزم به کارگیری مکانیسم تدریج در تربیت است؛ از این رو، یکی از لوازم رعایت توان، متربی رعایت تدریج در تربیت است.

روش پژوهش

روش تحقیق در این نوشتار روش توصیفی-تحلیلی است به این طریق که بر اساس مطالعات کتابخانه و یادداشت برداری از منابع تحقیق در رابطه با «رویکردهای فقهی و روانشناختی، اصل تدریج در تربیت فرزند»، به صورت جامع و سازگار بر مبنای مبانی فقهی و روایی بررسی می‌شود و با به کارگیری روش‌های عام تحلیل مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

در زمینه «اصل تدریج در تربیت»، پژوهش‌ها و مقالاتی تدوین شده است برخی از این پژوهش‌ها بررسی مبانی نظری و عملی این اصل در تربیت پرداخته و به ارائه راهکارهای عملی برای به کارگیری آن در فرآیند تربیت پرداخته‌اند که به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌کنم:

۱. مقاله: «بررسی اصل تربیتی تدریج در قرآن مبتنی بر تحلیل و نقد دیدگاه مفسران قرآن» (۱۴۰۰) محققین: بتول ابدال، کاووس روحی برندق، سید مهدی سجادی، نهله غروی نایینی نویسندگان این مقاله به تحلیل و نقد دیدگاه مفسران قرآن در مورد اصل تدریج پرداخته است. نویسندگان این مقاله به بررسی آیاتی از قرآن که به تدریج در دو حوزه تکوین و تشریع اشاره دارند، پرداخته‌اند و دیدگاه‌های مختلف مفسران را تحلیل کرده‌اند.

۲. مقاله: «تبیین اصل رعایت تدریج در تربیت از دیدگاه فقه تربیتی» (۱۴۰۱) محققین: سید عنایت الله کاظمی، حسن شکوری، مجید تلخابی که در این مقاله به بررسی مشروعیت و مبانی دینی اصل تدریج از نگاه فقه تربیتی پرداخته است. نویسندگان این مقاله با استفاده

از ادله قرآنی و روایی، به تحلیل و بررسی این اصل پرداخته‌اند و به نتایجی در مورد رجحان عقلی و شرعی رعایت تدریج در تربیت دست یافته‌اند.

۳. مقاله: «مرتب تدریج در خانه؛ احیای بستر زندگی خانواده گسترده» (۱۳۹۰) محقق: مصطفی صیرفی‌ان پور، که ایشان در این مقاله اشاره به این مطلب دارد که برای تدوین (نظام فضایی) که ظرفیت برقراری ارتباطی عمیق را میان ساکنین آن داشته باشد. جامعه (مظروف معماری) امروز، بر خلاف جامعه همگن و پیوسته دیروز، دچار انقطاع شده است؛ انقطاع در دو ساحت زمان و مکان؛ انقطاع مردم از گذشته خود (گسست نسل ها) و از یکدیگر. انقطاعی که در حدفاصل خانواده هسته ای و مراتب وسیع تر جامعه رخ داده است. ایجاد پیوستگی، معلول جاری شدن مفهوم تدریج در روابط افراد جامعه است.

۴. مقاله: «تبیین روش‌های تربیت دینی بر پایه اصل نیازمحور تدریج» (۱۴۰۰) محقق: کمالی وحدت، یاسین رشیدی آل هاشم، سید محمدرضا قاسمی شوب که در این پژوهش به اصل تربیتی تدریج و رهاوردهای آن در عرصه روش‌های تربیتی مورد بررسی قرار گرفته شده است. همچنین اصل تدریج را یکی از اصول مهم تربیتی در کنار اصول دیگر مثل خدامحوری، مسئولیت پذیری، آخرت گرایی، توجه به مناسبات اجتماعی، اخلاق مداری، نظارت مداری و تکریم شخصیت متربی دانسته است و روش‌های تربیت دینی مبتنی بر اصل تدریج نیز مواردی مانند اعتدال و میانه روی، اولویت بندی و موقعیت‌شناسی، تکرار و تمرین، رفق و مدارا، و آسان‌گیری دانسته است.

تفاوت و نوآوری مقاله حاضر با دیگر پژوهش‌ها در این حوزه اینکه در این مقاله سعی شده تا به ارائه یک تحلیل جامع از اصل تدریج در تربیت فرزند از دو منظر فقهی و روانشناختی بپردازد و همچنین به بررسی تطابق فرآیندهای روانشناختی با اصل تدریج مانند: کاهش استرس و اضطراب، و افزایش انگیزه و اعتماد به نفس اشاره شده و در این پژوهش به تطابق اصل تدریج با آموزه‌های اسلامی و اهمیت رعایت توان متربی در فرآیند تربیت خصوصاً با تاکید بر مبانی فقهی اشاره دارد. این رویکرد چندجانبه و جامع، نوآوری‌های مهمی را در زمینه تربیت فرزند ارائه می‌دهد.

مفهوم شناسی

قبل از پرداختن به مطالب اصلی این مقاله، لازم است جهت تبیین هر چه بیشتر مطالب به بررسی مفهوم لفظ «تدریج» اشاره شود :

الف) در لغت تَدْرِیج [درج] : (مصدر)، درجه‌بندی و تقسیم کردن؛ «علی التَّدْرِیج، بِالتَّدْرِیج» و نیز تدریج: درجه‌بندی، سلسله، درجه، تدریج، انتقال تدریجی، ارتقاء معنی شده است (راغب، ۱۳۸۰: ۳۱۰). در لغت فارسی نیز تدریج به معنای درجه درجه پیش رفتن و اندک اندک و به مرور اقدام کردن است (فراهدی، ۱۳۸۰: جلد ۶، صفحه ۷۷). درجت العلیل تدریجاً إذا أطعمته شیئاً قليلاً اگر به او غذا کم، دهم بیمار کم کم بهبود می‌یابد (ابن منظور، ۱۳۸۰: جلد ۲، صفحه ۱۲۷). و اسْتَدْرَجَتْهُ: أَخَذَتْهُ قَلِيلًا قَلِيلًا: و او را به تدریج گرفتیم: او را کم کم گرفتیم (فیومی، ۱۳۸۰: جلد ۲، صفحه ۱۹۱).

ب) در اصطلاح فقهی تدریجی بودن، تشریع مرحله به مرحله احکام و تکالیف در موضوعات گوناگون است. امر تدریجی مقابل امر «قار» و آن امری است که تمامی اجزای آن بالفعل و به تدریج پدید می‌آیند و با موجود شدن هر جزء، جزء قبلی آن نابود می‌گردد مانند مقوله زمان. پس امر تدریجی غیر ثابت و تصرف در وجود دارد. تدریج در اصطلاح فقه و تربیت تفاوت دارد (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۰: ۱۴، ۵۴۰-۵۳۸). تشریع حکم موقت و نسخ احکام را نیز می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد. احکام موقت و آیات ناسخ و منسوخ اگرچه از نظر تشریع دارای ترتیب زمانی بوده و یکی پس از دیگری نازل شده‌اند؛ اما تفاوت عمده‌ای که با تشریع تدریجی دارند این است که در آنها نزول حکم بعدی، احکام قبلی را قبلی هستند (مرکز مطالعات و مدارک، ۱۳۸۰: ۲۵۴).

دیدگاه عالمان اسلامی در اصل تدریج

از دیدگاه فقهای اسلام، اصل مزبور از اصول سابقه‌دار و ریشه‌داری است که در حوزه تعلیم و تربیت مباحث زیادی را به خود اختصاص داده که به برخی از این دیدگاه‌ها اشاره می‌شود:

۱. ابن مسکویه با توجه به تدریجی بودن رشد طبیعی متربی، تربیت را نیز امری تدریجی معرفی نموده و به مربیان رعایت اصل تدریج در تربیت را گوشزد می‌نماید (ابن مسکویه، ۱۳۸۰: ۶۹).

۲. خواجه نصیرالدین طوسی با توجه به تکامل تدریجی و طبیعی هر موجودی، تعلیم و تربیت را نیز تدریجی و دو مرحله می‌داند که رعایت این مراحل در آموزش و پرورش متربی لازم است تا ابعاد و شئون تربیتی فرزند به فعلیت برسد (طوسی، ۱۳۸۰: ۶۹-۹۳).

۳. فارابی به اصل رعایت تدریج در تعلیم و تربیت توجه داشته و تأکید دارد که در تعلیم مواد آموزشی باید از مفاد آسان شروع و به تدریج مفاد سخت را آموزش داد تا فرزند و متربی دچار سرگردانی ذهنی و فکری نشود (فارابی، ۱۳۸۰: ۵۵).

۴. از دیدگاه اخوان الصفا، آموزش و پرورش باید گام به گام و سازگار با میزان پذیرش و پیشرفت متربی صورت پذیرد؛ چراکه آموزش غیر تدریجی، مخالف طبیعت رشد در انسان است و به این می‌ماند که داروی بیمار را یکباره به او بخوراند. اصولاً فضائل نفس کلی بر نفوس جزئی یکباره افزوده می‌شود؛ اما نفوس جزئی به تناسب ظرفیت خود این فضائل را اندک اندک و به مرور زمان می‌پذیرند و از قضا در میان نفوس جزئی نیز افزوده دفعی و استفاضه تدریجی است. مربی مایل است متربی را آموزش دهد و آموزش هم یکباره و دفعی باشد اما نفس متربی نمی‌تواند یکباره بیاموزد و ناگزیر از آموزش تدریجی است (اخوان الصفا، ۱۳۸۰: ۱، ۴۶).

۵. از دیدگاه غزالی، مراد از تدریج، هماهنگی فرآیند تربیت با رشد تدریجی متربی می‌شود و هم آموزش است. کاربرد این اصل از دیدگاه وی هم شامل خودسازی و اخلاق و دگرسازی و تربیت را در بر می‌گیرد. هرگاه از پرداختن به نفس خویش و تطهیر آن آسودی و توانستی گناه درون و بیرون را وانهی، به واجبات کفایی پرداز و در این کار تدریج را رعایت کن (غزالی، ۱۳۸۰: ۱، ۴۰ و ۵۲). رعایت تدریج توصیه او به تربیت‌شوندگان به گونه‌ای است که؛ در فراگیری علوم اولاً آنها را به حسب اهمیت بیاموزند و ثانیاً تا علمی را خوب فهم نکرده‌اند و در عمل به آن ورزیده نشده‌اند، به دانش دیگری نپردازند. به مربیان نیز توصیه می‌کند در امر آموزش، قدرت فراگیری متربیان را در نظر گرفته و از آموزش زودهنگام متربی خودداری ورزند و در تعلیم و ارتقای درسی متربیان، به تدریج عمل کنند.

۶. از دیدگاه ابن خلدون، تعلیم دانش هنگامی موجب یادگیری متربی می‌شود که آموزش در طول زمان و به تدریج انجام گیرد؛ زیرا قوه و استعداد متربی به تدریج از قوه به فعلیت می‌رسد (ابن خلدون، ۱۳۸۰: ۴۰۰).

۷. از منظر ابن عربی، انسان موجودی مادی و روحی است که به لحاظ بعد، مادی به تدریج علم را فرامی گیرد و در مسیر تربیت رشد پیدا می کند. چون تحصیل علم و تربیت امری تدریجی است و برای تحقق بخشیدن به آثار آن باید استمرار داشته باشد تا به شخصیت و شاکله وجودی انسان شکل دهد؛ از این رو به عقیده ابن عربی چون تربیت امری تدریجی باید متریان را کم کم و به صورت مستمر تربیت کرد (ابن عربی، ۱۳۸۰: ۷، ۱۱۲).

رویکرد روانشناختی اصل تدریج در تربیت

از دیدگاه روانشناختی، اصل تدریج در تربیت و آموزش جایگاه بسیار مهمی دارد. این اصل به دلایل مختلفی در روانشناسی مورد تأکید قرار گرفته است:

۱. تطابق با فرآیندهای شناختی: یادگیری و تغییرات رفتاری به زمان نیاز دارند. مغز انسان برای پردازش اطلاعات جدید و ایجاد ارتباطات عصبی به تدریج عمل می کند. این فرآیند تدریجی به افراد کمک می کند تا مفاهیم را بهتر درک کنند و به حافظه بلندمدت منتقل کنند. (تایلر، ۱۳۸۴: ۵۴).

۲. کاهش استرس و اضطراب: تغییرات ناگهانی می توانند باعث ایجاد استرس و اضطراب شوند. روش تدریجی به افراد اجازه می دهد تا به تدریج با تغییرات سازگار شوند و از فشار روانی جلوگیری کنند. (پروند، ۱۳۸۵: ۱۳۸-۱۳۹).

۳. افزایش انگیزه و اعتماد به نفس: موفقیت های کوچک و تدریجی می توانند انگیزه و اعتماد به نفس افراد را افزایش دهند. وقتی افراد به تدریج پیشرفت می کنند و موفقیت های کوچک را تجربه می کنند، احساس موفقیت و رضایت بیشتری دارند که این خود به ادامه مسیر کمک می کند. (موسی پور، ۱۳۸۵: ۳۲-۳۱).

۴. پایداری بیشتر در تغییرات رفتاری: تغییرات رفتاری که به تدریج و با تمرین مداوم ایجاد می شوند، معمولاً پایدارتر هستند. این نوع تغییرات به افراد کمک می کند تا عادات جدید را به طور دائمی در زندگی خود نهادینه کنند. (پروند، ۱۳۸۵: ۱۳۸-۱۳۹).

۵. مانع از شتابزدگی: در فرآیند تدریجی، افراد فرصت برای بازخورد و اصلاح دارند تا تجربیات خود را بررسی کنند و بازخورد دریافت کنند. این بازخوردها می توانند به بهبود و اصلاح مسیر یادگیری کمک کنند. نکته قابل توجه در تربیت آن است که نباید رعایت اصل تدریج و پرهیز از شتابزدگی در تربیت اخلاقی را با کندی و از دست دادن فرصت ها خلط

کرد سرعت در تربیت به این معناست که بدون فوت وقت مراحل تربیتی را که با علم و کارشناسی تعیین شده اند اجرا کنیم و حتی یک لحظه را هم در این زمینه هدر ندهیم (حسین خانی، ۱۳۸۶: ۲۴ - ۲۵) باید بدانیم که سستی در انجام مراحل به همان اندازه آسیب زاست که اقدامات شتابزده امیرالمؤمنین در کلامی کوتاه مالک اشتر را از افتادن در ورطه افراط (عجله یا تفریط کندی) و از دست دادن فرصتها بازداشته و به پیمودن راه میانه (سرعت) بدون شتاب زدگی توصیه کرده اند از عجله در مورد کارهایی که وقتشان نرسیده یا سستی در کارهایی که امکان انجام آن فراهم شده بر حذر باش» (شریف رضی، نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۶. شکوفایی استعداد : شکوفا سازی استعدادهای انسان غالباً در بستر زمان و به گونه ای تدریجی صورت می پذیرد؛ همچنان که تنزل و سقوط انسان نیز سیری آرام و آهسته دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸ : درس اخلاق، جلسه ۴۷) خداوند متعال روند تربیت انسان را به صورت تدریجی و مرحله ای قرار داده است. او قرآن را به تدریج بر پیامبر خود و نازل کرد «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا» (انسان : ۲۳). نزول آیات قرآن به تدریج و بند بند و سوره به سوره و آیه به آیه به سبب تمامیت یافتن استعداد مردم در تلقی معارف اصلی و اعتقادی و احکام فرعی و عملی آن و به مقتضای مصالح بشر بوده است آن مصلحت این است که علم، قرآن با عمل به آن مقارن باشد و طبع بشر از گرفتن معارف و احکام آن بیزار نشود و معارفش را یکی پس از دیگری درک نماید (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۳، ۳۰۶) این موارد این امر را بازگو می کند که اصل تدریج در تربیت و آموزش نه تنها با فرآیندهای شناختی و روانی انسان سازگار است، بلکه به بهبود کیفیت یادگیری و پایداری تغییرات رفتاری نیز کمک می کند. (خلیلی شورینی، ۱۳۸۲: ۸۴).

رویکرد فقهی اصل تدریج در تربیت

در آموزه های اسلامی همواره به اصل رعایت تدریج خصوصاً در تشریع و ابلاغ احکام التفات داشته اند. در مبانی اسلامی مطابق اصل رعایت تدریج، چنین بیان شده است که هر اقدام یا روش تربیتی، باید به آرامی و به دور از شتاب و عجله و تدریجی باشد تا زمان لازم برای تغییر، اصلاح و شکوفایی برای متربی فراهم و هدف از اقدام تربیتی محقق شود. اصولاً «تربیت کردن» و «تربیت پذیری» دو مقوله استدراجی هستند و باید مرحله به مرحله صورت گیرند. اصل رعایت توان متربی اظهار می دارد که در اتخاذ اقدامات و روش های تربیتی،

توان‌ها، ظرفیت و استطاعت مربی را رعایت کنید تا تکلیف سخت و «مالایطاق» نباشد و موجب زدگی مربی نگردد و اقدام تربیتی نتیجه معکوس به بار نیاورد. رعایت توان مربی گاهی مستلزم تسریع در تربیت است و ممکن است تدریج اثر معکوس بر جای گذارد. مانند مربی تیزهوشی که به یکباره اصل و عمق مطلب را درک می‌کند و تکرار و تدریج مانع از یادگیری او شده یا سبب آزردهی خاطر او می‌گردد و ممکن است او را نسبت به اصل یادگیری منزجر کند. گاهی نیز رعایت توان مربی متوسط یا کند ذهن، تکرار و تدریج در امر تعلیم و آموزش را می‌طلبد و یادگیری او منوط به مرحله تدریس کردن و تکرار آن است تا وی بیاموزد؛ بنابراین در موارد رعایت توان، گاهی مستلزم تدریج و گاهی مستلزم تسریع است. از این رو، اصل رعایت توان، عام و رعایت تدریج، خاص است.

فقیه نامدار شیعه به نام ابن ادریس، بر اساس آیات و ادله «تحریم خمر» را حکمی تدریجی بر می‌شمارد که مرحله به مرحله بر حرمت و اجتناب از آن دلیل اقامه شده است (ابن ادریس، ۱۳۸۰: جلد ۳، صفحه ۳).

فخر المحققین نیز تحریم آن را به تدریج و در طی تشریع چهار آیه از قرآن اعلام می‌کند. درباره علت تشریع تدریجی حکم حرمت خمر آمده است این بدان جهت است که احکام الله در جان و باطن مردم نفوذ کند (مجلسی، ۱۳۸۰: ۹، ۳۰۳) و آنان مطابق اوامر و نواهی الهی زندگی کنند. به عبارتی دیگر حکمت حکیمانه مدارا و مصلحت حالیه خیرانگیز «كَلِمَ النَّاسِ عَلَى قَدَرِ عُقُولِهِمْ» (حرعاملی، ۱۳۸۰: جلد ۲۵، صفحه ۳۰۲) و سیاست مدنیة، تدریج در بیان تکالیف و معالجات امراض به اندازه حاجت و استعداد (ظرفیت) و قابلیت مانع از بیان واقعی دفعی (بوده) است (فخر المحققین، ۱۳۸۰: ۴، ۵۱۱). شیوه قرآن در قلع و قمع بسیاری از مفسد و رذایل در صدر اسلام، شیوه تدریج در بیان احکام بوده است (سبحانی، ۱۳۸۰: ۱۶).

لازم به بیان است که؛ «حرمت ربا» نیز از مواردی است که در اسلام حکم آن به صورت تدریجی بیان شد. در مقام تحلیل می‌توان چنین بیان نمود که؛ در حقیقت پس از نزول «حکم تحریم ربا» نهی آن با آیاتی دیگر مورد تاکید قرار گرفت. هرچند قدمای از فقها مستقیماً اشاره‌ای به تدریجی بودن حکم آن نکرده‌اند؛ اما در نوع چینش آیات، ذیل حکم ربا نوعی ترتیب دیده می‌شود.

از دیدگاه برخی از مفسران، آیاتی از قرآن (آل عمران: ۱۳۰ و بقره: ۲۷۵) تصریح به نهی راه، بعد از خبر به حرمت و یا تأکید بر نهی می‌دانند (سیوری، ۱۳۸۰: ۳۹۹-۴۳۰). برخی دیگر از علمای شیعه، نظری در مقابل این نظر را ارائه داده‌اند (خویی، ۱۳۸۰: ۲، ۵۳۹). از دیدگاه علامه طباطبایی در سوره آل عمران (آل عمران، آیه ۱۳۰) صلاحیت قانون‌گذاری در امر ربا را دارد و آیات سوره بقره مؤکد حرمت ربا است. وی تصریح دارد با وجود نهی قبلی هنوز مسلمانان ربا را ترک نکرده بودند به همین علت این آیات برای امر به خودداری کامل از رباخواری نازل شده است (طباطبایی، ۱۳۸۰: جلد ۲، صفحه ۴۲۲). درباره حکم جهاد نیز برخی به تدریج در حکم و مراحل آن و برخی به اولین آیه مربوط به جهاد اشاره دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۴، ۱۱۳). در علم اصول فقه نیز در موارد متعددی مانند وضع الفاظ، اصل بیان احکام، تنجز علم اجمالی، تخییر در اقل و اکثر استصحاب از اصل تدریج سخن به میان آمده و تدریجی یا غیر تدریجی آن تبیین گردیده است (راوندی، ۱۳۸۰: جلد ۲، صفحه ۴۸؛ خمینی، ۱۳۸۰: ۳، ۴۴۹؛ ایروانی، ۱۳۸۰: ۲، ۳۹۲).

علمای شیعه به این امر توجه داشته‌اند به نحوی که می‌توان از خلال آرا و فتاوی فقهی به پیشینه «اصل تدریج» به این امر رسید که فقها به تدریجی بودن تعلیم و تأدیب کودکان به ویژه در مواردی مانند: آموزش نماز و روزه به آنان، فتوا داده‌اند (موسوعه الإمام الخوئی، ۱۳۸۰: جلد ۲۱، صفحه ۵۰۲). هدف و فلسفه‌ای که از تعلیم احکامی مانند: روزه، نماز، وضو و دیگر عبادات، در لسان فقها آمده است عادت دهی متریان نابالغ به منظور زمینه‌سازی و ایجاد آمادگی از انجام تکلیف عبادی پس از رسیدن به دوران بلوغ است (شهید ثانی، ۱۳۸۰: جلد ۲، صفحه ۱۰۵). تکلیف عبادی می‌بایست به تدریج و در طول زمان محقق می‌شود تا تبدیل به عادت عبادی-دینی شود، از این رو در احکام عبادی و نیز در آموزش مسائل مرتبط با دین به کودکان، رعایت تدریج مدنظر فقها بوده است (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۶، ۳۴۸).

اهمیت رعایت تدریج در تعلیم و تعلم تا آنجا است که از دیدگاه فقها، برخی ناهنجاری‌ها و انحرافات اخلاقی و اعتقادی بدلیل رفتارها و اقدامات عجولانه و سخت‌گیرانه والدین و رعایت نکردن «اصل تدریج» دانسته شده است؛ همانگونه که صفای باطن و طهارت روح به تدریج و در طول زمان حاصل می‌شود (خمینی، ۱۳۸۰: ۳۱۸ و ۱۰۳).

ادله اصل تدریج در تربیت:

برای اصل رعایت تدریج در فرآیند تربیت می‌توان به ادله‌ای استناد نمود که در اینجا به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

۱. نزول تدریجی قرآن

از ادله‌ای که ممکن است بر جواز، استحباب یا وجوب رعایت تدریج در تربیت دلالت کند، استناد به روش تدریجی نزول قرآن به عنوان فعل الله است. دأب و سیره خداوند متعال بر نزول تدریجی قرآن تعلق گرفته است. قرآن کریم به تدریج و طبق شرایط زمانی و مکانی مناسب، توسط جبرئیل بر پیامبر اکرم به تدریج و طی بیست و سه سال نازل شد. از نزول تدریجی، قرآن با تعبیر دیگری همانند «نزول تفصیلی»، «نزول مفرقی»، «قرآن تنزیلی» تنجیم قرآن، «تدرج نزول»، «تجدد نزول» و «تنزل تدریجی» نیز یاد شده است.

بیشتر مفسران شیعه و اهل سنت معتقدند نزول قرآن کریم، همزمان با بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) بوده است که آیات آغازین سوره علق، نخستین آیاتی بودند که نازل شدند. برخی با انکار نزول دفعی قرآن معتقدند قرآن تنها به صورت تدریجی بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) نازل شده است و آیات «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ يَا أَيُّهَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (بقره، ۱۸۵) نشانگر آغاز نزول قرآن در شب قدر و ماه رمضان هستند (قدر، ۱). مهمترین دلیل بر نزول تدریجی قرآن، آیه «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَلْنَاهُ تَنْزِيلًا» (اسراء، ۱۰۶) است که اذعان می‌دارد بخش بخش فرستادن قرآن و نزول تدریجی آن، بدان جهت است که حضرت رسول (صلی الله علیه وسلم) آن را به آرامی و تدریج برای مردم بخواند (مرکز اطلاعات و مدارک، ۱۳۸۰: ۹۸۳). بر پایه روایات نیز یکی از حکمت‌های نزول تدریجی این بود که مسلمانان یک‌باره با انبوهی از احکام مواجه نشوند؛ بلکه به تدریج به مناسبت حوادثی که پیش می‌آمد، عمل کردن به آنها نیز راحت‌تر گردد (رامیار، ۱۳۸۰: ۱۹۱).

۲. بیان تدریجی احکام در قرآن

دلیل دیگر بر رعایت اصل تدریج، تشریع و ابلاغ تدریجی احکام دین از سوی پیامبر اکرم (ص) است که از ابتدا یک امر متدرج و مرحله‌ای بوده. یعنی حضرت (ص) با تأسی از سنت الهی احکام و آموزه‌های دینی را به تدریج به مردم بیان می‌کردند. گفتنی است رعایت

تدریج در مرحله ابلاغ احکام و شریعت، متأثر از نزول تدریجی معارف قرآنی بوده؛ اما در نفس افعال پیامبر اکرم (ص) در تعلیم و تربیت و هدایت مردم نیز تدریج قابل مشاهده است.

حضرت رسول (ص) معارف اسلام را با توجه به میزان توان ادراکی افراد به آنها تعلیم می داد و بر اساس آن با ایشان سخن می گفت: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمَرْنَا أَنْ تَكَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» (کلینی، ۱۳۸۰: ۱، ۲۳). در شیوه تعلیم و تعلم قرآن در سیره نبوی، اصل تدریج در آموزش و تربیت رعایت می شد. چنین نقل شده است که: «حضرت ده آیه را می خواندند و اصحاب پس از آنکه احکام و معارف آن را فرا گرفته و بدان عمل می کردند و بعد از این مرحله، حضرت رسول (ص) ده آیه بعدی خوانده می شد» (انصاری، ۱۳۸۰: ۲۲۲۸). از این اصل تدریج در بیان احکام، می توان به تدریج در مقام تعلیم و تربیت نیز به عنوان یک اصل، الگوبرداری کرد (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۱۸). لازم به بیان است قرآن دو نوع نزول دفعی و تدریجی دارد. نزول دفعی قرآن عبارت است از نزول مفاهیم و حقایق قرآن بر قلب پیامبر اکرم و اما نزول مفاهیم در قالب الفاظ توسط فرشته وحی، نزول تدریجی است (حسین، ۱۳۸۰: ۱۳۲).

مطابق تصریح قرآن، تبیین و توضیح جزئیات احکام از سوی حضرت (ص) و اهل بیت (ع) است که از طریق روایات معتبر به ما رسیده است که در اصطلاح فقه از آن به «سنت» تعبیر آورده می شود. ضمن اینکه مفاد تبیین و تفسیری که از سوی ایشان ارائه می گردد به حکم قرآن برای ما حجت و مطاع است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء، ۵۹). سنت نیز سیر تدریجی دارد یعنی تبیین و تشریح احکام و معارف از سوی حضرت رسول (ص) در یک مسیر تدریجی رشد و تکامل پیدا کرده؛ به گونه ای که تا زمان حیات امام حسن عسکری (ع)، ابلاغ احکام همچنان ادامه داشت؛ اما بعد از وفات ایشان باب ابلاغ احکام بسته شد و در زمان ظهور حضرت بقیه الله الأعظم (عج) گشوده خواهد شد (اعرافی، ۱۳۸۰: ۲۴، ۳۳). رعایت تدریج در نزول قرآن و بیان احکام نزول آیات و ابلاغ احکام و معارف الزامی و غیر الزامی قرآن به تدریج در طی ۲۷۰ سال از سوی پیامبر اکرم و اهل بیت (ع) صورت گرفته است. در سنت نبوی نیز این تدریج جاری بوده و آنچه در قرآن نیامده بود با سنت پایه ریزی شد. قرآن قانون اساسی اسلام است که در آن اصول کلی دین بیان شده و تبیین فروع و جزئیات بر عهده رسول خدا و اهل بیت گذارده شده است تا به حسب مقتضیات زمان و مکان و شرایط افراد فروع مسائل از سوی آنان تفسیر و حکم آن تبیین گردد. اصولاً روش قرآن، بیان کلیات و تشریح جزئیات بر عهده پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت

(ع) است و این از رموز الهی است تا قرآن و اهل بیت (ع) را در کنار یکدیگر مایه هدایت معرفی کند. به عبارتی دیگر جزئیات احکام در قرآن ذکر نشده اما برای آگاهی از این جزئیات خداوند راهکاری ارائه داده است چراکه امر به عبادات بدون بیان چگونگی انجام آن از سوی خداوند مستلزم لغویت است و لغو نسبت به افعال خداوند حکیم راه ندارد (انصاری فرطی، ۱۳۸۰: ۱، ۲۰).

۳. روایات

مفاد برخی از روایات به رعایت تدریج در تربیت اشاره دارد؛ اینکه بتوان حکم رعایت تدریج را از روایات مزبور استنباط کرد:

الف) صحیحہ ابراہیم بن عمر عَلِی بْنِ اِبْرَاهِيمَ عَنْ اَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ اِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ اَلْبَمَانِيِّ عَنْ اَبِي عَبْدِ اللَّهِ لَا اِنَّهُ قَالَ: «اِنَّ الدِّينَ اَنَّمَا يَحُولُ مِنْ خَصْلَةٍ اِلَى اُخْرَى فَلَوْ كَانَ ذَلِكَ جُمْلَةً قُطِعَ بِهِمْ دُونَ الدِّينِ» (کلینی، ۱۳۸۰: ۶، ۳۹۵).

در سند روایت، همه راویان از جمله حماد بن عیسی و ابراہیم بن عمر ثقه امامی هستند از این رو روایت صحیحہ است (نجاشی، ۱۳۸۰: ۱۴۳). مطابق روایت اگر تدریج در تبیین معارف و احکام دین از سوی پیامبران رعایت نمی‌شد و احکام یک باره و دفعی به مردم بیان می‌شد، به طور قطع مردم در مقابل دین درمانده می‌شدند چه بسا عدم رعایت، تدریج به مخالفت با دین یا اشمئزاز از اصل دین منجر گردد. از این رو، در مقام تربیت نیز اگر از عدم رعایت تدریج در بیان مفاد آموزشی زدگی یا نفرت از اصل تعلیم و تربیت حاصل شود طبیعی است که رعایت تدریج به حد الزام می‌رسد.

ب) صحیحہ زراره: «عَلَى بْنِ اِبْرَاهِيمَ عَنْ اَبِيهِ عَنْ حَمَادِ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ لَيْسَ اَحَدٌ اَرْفَقَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمِنْ رَفَقِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اَنَّهُ نَقَلَهُمْ مِنْ خَصْلَةٍ اِلَى خَصْلَةٍ وَلَوْ حَمَلَ عَلَيْهِمْ جُمْلَةً لَهْلَكُوا» (کلینی، ۱۳۸۰: ۶، ۳۹۵). در بررسی سندی چنین استفاده می‌شود که همه راویان در سلسله سند روایت از ثقات امامیه هستند و روایت سنداً تام است. بررسی دلالتی در این، روایت رعایت تدریج از سوی خداوند جزئی از رفق و مدارای او با بشر خوانده شده است. انتقال تدریجی انسان از وضعیتی به حالت و وضعیت دیگر، نشانه رفق خدا بر بندگان است؛ زیرا انتقال دفعی و حمل یک باره احکام و تکالیف، موجب هلاکت انسان است.

ج) مرسله کلینی: «بَعْضُ أَصْحَابِنَا مُرْسَلًا... «أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَرَادَ أَنْ يُفْتَرِضَ فَرِيضَةً أَنْزَلَهَا شَيْئًا بَعْدَ شَيْءٍ حَتَّى يُوْطِنَ النَّاسُ أَنْفُسَهُمْ عَلَيْهَا وَيَسْكُنُوا إِلَى أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَنَهْيِهِ فِيهَا وَكَانَ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى وَجْهِ التَّدْبِيرِ فِيهِمْ أَصَوَّبَ وَأَقْرَبَ لَهُمْ إِلَى الْاِخْتِذِ بِهَا وَأَقْلَّ لِنَفْسِهِ مِنْهَا» (کلینی، ۱۳۸۰: ۶، ۴۰۶).

اگرچه روایت مرسله است اما روایت به روشنی از رعایت تدریج در تشریع احکام از ناحیه باری تعالی تصریح دارد و اعلان می‌دارد خداوند تکالیف را به تدریج و اندک اندک فرو می‌فرستد تا مردم فرصت داشته باشند با آن تکلیف خو بگیرند و نسبت به امر و نهی الهی منقاد گردند. همچنین از روایت چنین برداشت می‌شود که اگر تدریج مزبور رعایت نمی‌شد موجب گریز مردم از دین و تکالیف آن می‌شد؛ بنابراین روایت به لزوم به کارگیری تدریج در نزول احکام و تشریع آن میان مردم دلالت دارد.

در مقام تحلیل می‌توان چنین بیان نمود که؛ اگر «اصل تدریج» در حوزه تربیت نفس و اخلاق قرار گیرند مانع از اجرای اصل رعایت تدریج نمی‌شود؛ زیرا اصل مزبور هم در حوزه اخلاق و خودسازی و هم در حوزه تربیت و دگرسازی جریان دارد؛ از این رو، فرع دوم همچنان موضوعیت خود را حفظ می‌کند همچنین می‌توان موارد فوق را ذیل مقوله تربیت و دگرسازی مطرح نمود؛ زیرا در هر، مورد یک عامل تربیتی سبب انقلاب و تحول روحی شده است.

۴. درک عقل بر اصل تدریجی

عقل به عنوان آخرین موید بر اصل تدریج می‌باشد که در مبانی فقهی به این اصل هم استناد می‌شود که در اینجا به درک عقلی برای اصل تدریج اشاره می‌شود:

۱. عقل نوعی تطابق در طبیعت و نهاد انسان با اصل تدریج را درک می‌کند. اصل تدریج هم با عالم خلق و هم با فطرت انسانی عجین شده است که خروج از این نوع اصل ممکن است زندگی را مختل کند. استاد اعرافی نیز این نوع استدراج را در درس خارج فقه را تبیین نموده اند. و چنین بیان نموده اند که «تقسیماتی که در عالم هستی از قبیل تقسیم عالم به عالم خلق و أمر و... است، مهم‌ترین ویژگی عالم خلق به معنای خاص، تدرج و تحول است». (اعرافی، درس خارج فقه، تاریخ ۱۳۹۶/۸/۹)

۲. عقل چنین درک می‌کند که تغییرات ناگهانی و سریع می‌تواند باعث ایجاد فشار روانی شود. پس عاقلانه است که به روش تدریجی و به تدریج با تغییرات سازگار شوند. اگر

انسان در زمینه آموزش تندرستی کند و زیاد به نفس فشار بیاورد نفس سرکشی می کند و مهار را از دست انسان خارج می کند و او را به زمین می زند (مصباح یزدی ، ۱۳۸۸: ۳۳). همچنین معلم و مربی باید همواره بکوشند تا فراگیر را گام به گام و به آرامی رشد دهند و انتظار جهش های سریع و ناگهانی نداشته باشند و حتی از زیاده روی فراگیر در فعالیت های درسی یا خودسازی که ممکن است موجب ناتوانی جسم یا آسیب های روانی وی گردد با تدبیر عاقلانه ای جلوگیری کنند (کلینی، ۱۳۹۰: ۲، ۸۷) مسلمانی شخص دیگری را با مسلمان نموده و وارد دین کرده بود در همان روز اول بدون مراعات رفق و مدارا، او را به انجام نوافل و تعقیبات و مستحبات واداشته بود. تازه مسلمان به او گفت: أَطْلُبُ لِهَذَا الدِّينِ مَنْ هُوَ أَفْرَعُ مِنِّي؛ برای این دین، شخص بیکاری غیر از من را پیدا کن (رخشاد، ۱۳۹۵: ۱، ۲۰۸)

با توجه به مطالبی که در این مقاله تبیین گردید، می توان چنین ادعا نمود که گستره کاربرد اصل رعایت تدریج وسیع بوده و همه ساحات تربیت را در بر می گیرد و این اصل تدریج مورد اتفاق همه علماء بوده است. این امر واضح است که در برخی از ساحات، اصل رعایت تدریج اثرگذاری بیشتری دارد و باید از سوی والدین و مربیان به نحو مطلوب رعایت شود تا تربیت در آن ساحت محقق شود. برای نمونه در ساحت اعتقادی که مربی با باورمندسازی اعتقادی متربی سروکار دارد جهت ارائه بینش اقناع فکری و ایجاد گرایش و پذیرش قلبی، متربی باید به آرامی اقدام کند و هر مرحله را پایه و زمینه ساز برای مرحله بالاتر قرار دهد تا به تدریج بنیان های اعتقادی متربی شکل گرفته و تقویت شود. این سیر طبیعی و منطقی با هرگونه تعجیل و شتاب بی مورد مخالف است.

نتیجه گیری

۱. تدریج از سنن الهی است که بر عالم هستی سایه افکنده و خداوند به عنوان مربی بشر خود در امور مختلف از جمله آفرینش جهان و انسان ارسال رسل و نزول قرآن آن را رعایت کرده است. رسول اکرم و اهل بیت (ع) نیز در مقام هدایت و تربیت در تبلیغ احکام دین و اجرای آن به تدریج مردم را تعلیم و آموزش دادند؛ تا معارف الهی به آرامی در عمق جان آنها نفوذ کند. و زمینه التزام و عمل به آموزه ها و معارف دینی فراهم آید. ۲. از نحوه نزول تدریجی قرآن و بیان احکام برای رعایت تدریج در تربیت اقتباس و الگوبرداری می شود؛ زیرا مناطق در حوزه تبلیغ دین و تبیین معارف آن با حوزه تربیت متربی یکی است و در هر دو «تغییر و رشد دیگری و رسیدن به حقیقت و» کمال به عنوان غایت دنبال می شود.

۳. رعایت تدریج سنتی الهی است که در موارد متعددی از جمله در نزول قرآن، در دعوت مردم به دین و حتی در مجازات گنهکاران، رعایت شده است. نزول تدریجی قرآن و بیان، احکام هم برای پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم، ثبات استواری و آرامش روحی را فراهم می آورد و هم برای مردم فرصت لازم برای فهم و درک مفاد معارف دین را م می سازد؛ از این رو، حکم عقل به عنوان رجحان رعایت تدریج از سوی پیامبر اکرم حکم می کند که به ملازمه، رجحان و مطلوبیت شرعی آن نیز قابل اثبات است.

۴. مطابق دلالت روایات، رعایت تدریج در فضای تعلیم و تربیت، لازم است؛ تا با رعایت آن، متربی آسیب ذهنی و عاطفی نبیند و نسبت به اصل تربیت متنفر نگردد.

۵. تعلیم مناسک عبادی نیاز به اقدام تدریجی جهت عادت دادن متربی به نماز دارد. ضمن اینکه عدم رعایت تدریج و تعلیم یکباره احکام و مناسک عبادی موجب زدگی و اشمئزاز به اصل عبادت می شود؛ از این رو، رعایت تدریج در هر نوع تعلیم و تربیتی ضروری است.

۶. علمای شیعی بر اصل تدریج اتفاق دارند با این توضیح که برخی از علمای معاصر نیز در درس های خارج فقه تربیتی خود به اهمیت اصل تدریج پرداخته اند. به عنوان مثال، استاد علیرضا اعرافی در درس های خود به تفصیل به این موضوع پرداخته و دلایل مختلفی را برای تأیید این اصل بیان کرده اند.

۷. وجود دلایل عقلی بر اصل تدریج با این توضیح که؛ اصل تدریج با طبیعت انسانی سازگار است و به افراد اجازه می دهد تا به تدریج با مفاهیم جدید آشنا شوند و آن ها را بهتر

درک کنند. این روش همچنین از فشار روانی جلوگیری می‌کند و پایداری بیشتری در یادگیری و تغییرات رفتاری ایجاد می‌کند.

۸. وجود دلایل نقلی بر اصل تدریج با این توضیح که ؛ در متون دینی و روایات اسلامی نیز به اصل تدریج اشاره شده است. به عنوان مثال، در قرآن کریم، احکام و معارف به تدریج و در طول زمان نازل شده‌اند. این روند تدریجی نشان‌دهنده اهمیت این اصل در فرآیند تعلیم و تربیت است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد حلی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۴. ابن خلدون، عبد الرحمن، مقدمه ابن خلدون، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۵. ابن عربی، محمد بن علی بن محمد بن عربی حاتمی، فتوحات مکیه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۶. ابن مسکویه، احمد بن محمد بن یعقوب رازی، تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۷. اخوان الصفا، رسائل اخوان الصفاء، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۸. اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۹. انصاری فرطی، محمد بن أحمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۰. ایروانی، علی، الأصول فی علم الأصول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۱. پروند، محمد حسن، مقدمات برنامه ریزی آموزشی و درسی، تهران، شیوه، اول، ۱۳۸۵ ش.
۱۲. تایلور، رالف، اصول اساسی برنامه ریزی درسی و آموزشی، مترجم: علی تقی پورظهیر، تهران، ناشر: آگاه، چ ۱۱، ۱۳۹۶ ش.
۱۳. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۱۴. حسین، سید محمد حسن، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۵. خلیلی شورینی، سیاوش، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی و امور فرهنگی، تهران، آن (مرکز برنامه‌ریزی و آموزش نیروی انسانی)، اول، ۱۳۸۲ش.
۱۶. خمینی، سید روح الله موسوی، جواهر الأصول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۷. خویی، سید ابوالقاسم (موسوی) موسوعه الإمام الخوئی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۸. خویی، سید ابوالقاسم (موسوی)، مصباح الأصول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۹. رخشاد، سیاوش، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی و امور فرهنگی، تهران، نشر آن (مرکز برنامه‌ریزی و آموزش نیروی انسانی)، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۲۰. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۲۱. راوندی، قطب الدین، فقه القرآن، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۲۲. سبحانی، جعفر، مصادر الفقه الإسلامی و منابعه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۲۳. سیوری، مقداد بن عبد الله، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۲۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۲۶. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۲۷. طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۲۸. عاملی، محمد بن علی موسوی، مدارک جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۲۹. غزالی، محمد بن محمد، إحياء علوم الدين، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۳۰. فارابی، ابونصر محمد، تحصیل السعادة، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۳۱. فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف حلی، إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۳۲. فیومی، محمد بن محمد مقرئ. المصباح المنیر. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۳۴. مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۳۵. مرکز اطلاعات و مدارک، فرهنگ نامه علوم قرآنی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۳۶. مصباح یزدی، محمد تقی، پیام مولا در بستر شهادت، محمد مهدی نادری قمی، قم، موسسه امام خمینی (ره)، چهارم، ۱۳۸۸ ش.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۳۸. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۳۹. ابدال، بتول؛ روحی برندق، کاووس؛ سجادی، سید مهدی؛ غروی نایینی، نهله. «بررسی اصل تربیتی تدریج در قرآن مبتنی بر تحلیل و نقد دیدگاه مفسران قرآن». مجله پژوهش‌های قرآنی، تهران، ۱۴۰۰.

۴۰. کاظمی، سید عنایت الله؛ شکوری، حسن؛ تلخابی، مجید. «تبیین اصل رعایت تدریج در تربیت از دیدگاه فقه تربیتی». مجله فقه و تربیت، قم، ۱۴۰۱.

۴۱. صیرفیان پور، مصطفی. «مرتبت تدریج در خانه؛ احیای بستر زندگی خانواده گسترده». مجله معماری و شهرسازی، تهران، ۱۳۹۰.

۴۲. وحدت، کمالی؛ رشیدی آل هاشم، یاسین؛ قاسمی شوب، سید محمدرضا. «تبیین روش‌های تربیت دینی بر پایه اصل نیازمحور تدریج». مجله تربیت اسلامی، قم، ۱۴۰۰.

